

آیه تطهیر در ادبیات عرب

* زهره اخوان مقدم

چکیده: آیه ۳۳ سوره احزاب (آیه تطهیر)، موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده بوده و در این گفتار، خلاصه‌ای از آن رساله را ارائه می‌کند. بخش اول به بررسی آیه تطهیر، از حیث: اهمیت، مفردات و معنای اهل بیت در نظر دانشمندان شیعه و سنّی می‌پردازد و به مناسبت، نگاهی به شخصیت عکرمه می‌افکند. اما بخش دوم و اصلی این رساله، پیگیری آیه تطهیر در شعر شاعران عرب است که به دلیل جایگاه رفیع شعر و شاعران، سخن آنان مورد استناد بوده و است. نویسنده آیه تطهیر را در شعر عربی، از قرن دوم تا سیزدهم هجری قمری به ترتیب زمان، پی‌می‌گیرد و در این مقاله، نمونه‌هایی از آن را می‌آورد؛ از جمله: عبدی کوفی، سید حمیری، ذکوان، ابو نواس، دیک الجن، دعل، وامق مسیحی، ابن درید، صنوبری، ابو فراس، ابو علی ضریر، خوارزمی، خطیب حصکفی، ابن عودی نیلی، ابن طلحه شافعی، ابن ابی الحدید.

کلید واژه: نصوص امامت / آیه ۳۳ سوره احزاب (تطهیر) / امامت در قرآن / ادبیات عرب / تفسیر موضوعی.

*. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق ع؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی، تهران.

۱. مقدمه

از آنجا که آیه شریفه تطهیر (احزاب ۳۳ / ۳۳) در بیان برتری اهل بیت پیامبر ﷺ بر همه انسانها، بسیار اهمیّت دارد، بیش از فضائل دیگر، مورد شک و تردید و حتی حسد و غرض‌ورزی قرار گرفته است و این امر، اهمیّت پژوهش در این زمینه را روشن می‌سازد. از این‌رو، کتابهای چندی به زبان فارسی و عربی درباره این آیه، از حیث مفهوم و مصداق اهل بیت، نوشته شده است.

در همه تفاسیر و کتب مرتبط دیگر نیز بحث‌های مفصلی حول این مسئله به چشم می‌خورد؛ اما نگارنده از روشی غیر از روش همه آثار پیشین برای پژوهش در آیه تطهیر اقدام کرده است. رشتۀ اصلی وی علوم قرآن و حدیث، و علاقه‌مند به مباحثی حول رشتۀ خود بوده است. از آنجا که نگارنده در مقطع ارشد به طور همزمان در «علوم قرآن و حدیث» و نیز «ادبیات عرب» تحصیل می‌کرده، لذا باید دو رساله همزمان ارائه می‌شد، و از آنجا که در رشتۀ ادبیات عربی الزاماً باید موضوعی مرتبط با رشتۀ انتخاب می‌شد، مطالعه و تحقیق درباره اشعار جاهلی و شرح حال آن شاعران و معلّقات سبع و... مورد علاقه نگارنده نبود. پس از مدتی تفکر، براساس علاقه وافری که به کتاب شریف الغدیر و مباحث امامت داشت و نیز براساس پیشنهاد جناب دکتر محمد امینی نجفی، برآن شد تا به روش علامه امینی، یعنی پیگیری غدیر در اشعار شуرا، در مورد آیه تطهیر به بررسی و تحقیق بپردازد. از آنجا که موضوع ابتکاری بود و صبغه ادبیات عربی هم داشت، به سرعت پذیرفته شد و از زمستان ۱۳۸۱ کار ممتد و پیگیر حول آن در رأس اولویت‌های نگارنده قرار گرفت. در این گفتار، ضمن معرفی این پایان‌نامه، خلاصه و گزیده‌ای از مطالب آن نقل می‌شود.^۱

۱. از آنجا که این مقاله، تلخیص پایان‌نامهٔ یاد شده است، منابع در اصل پایان‌نامه‌آمده است. توضیح این که اصل پایان‌نامه با ویرایش در دست چاپ می‌باشد. (ویراستار)



۲. نمای کلی پایان نامه

این پژوهش در دو فصل کلی سامان یافته که قبل از آن، مقدمه و یک پیشگفتار مفصل به چشم می خورد. در پیشگفتار که در ۱۴ صفحه تنظیم شده، به مقدماتی از قبیل سیر تدوین حدیث، منع تدوین حدیث توسط برخی از صحابه، توصیه های کلامی و عملی پیامبر ﷺ در جهت معرفی رهبری پس از خود، عصمت اهل بیت و ویژگی های کلی آیه تطهیر اشاره شده است.

۳. نگاهی به فصل اول

فصل اول این مجموعه - که از حیث موضوع، کار جدیدی نیست - «بررسی آیه تطهیر» نام دارد. اما از حیث جمع و نقد آراء و نتیجه گیریها، مقایسه دیدگاه عالمان شیعه و اهل سنت، بیان سرچشمه های اختلاف و علل آن و شخصیت شناسی عاملان اختلاف، بی سابقه و نو به نظر می رسد.

این فصل که ۵۰ صفحه دارد، شامل شش عنوان فرعی به شرح زیر است: اهمیت آیه تطهیر، مفردات آیه تطهیر، دیدگاه عالمان شیعه و خاستگاه آن، دیدگاه عالمان اهل سنت و سرچشمه اختلاف، خلاصه و نتیجه گیری، نگاهی به شخصیت «عکرمه» و بررسی حدیث او.

درباره این عنوان های فرعی، توضیح اجمالی ذکر می شود.

۱-۱) اهمیت آیه تطهیر: این بخش ناظر به اهمیت این آیه شریفه از حیث برتری اهل بیت پیامبر بر دیگران و راه گشایی آن در جهت تعیین رهبری آینده مسلمانان است.

۱-۲) مفردات آیه تطهیر: نگارنده در این بخش، به معنای تک تک واژگان پرداخته و با تکیه بر کتب مرجع، معنای «إنما»، «اراده»، «إذهاب»، «تطهير»، «أهل» و «بيت» را روشن ساخته است. در ضمن هر کدام از واژگان آیه بحثهای جانبی به طور مستدل به میان می آید. مثلاً ذیل کلمه اراده، موضوعات تکوینی و تشریعی، معنای عصمت و منافات نداشتن آن با «اختیار»، و دیدگاه علماء در این زمینه بررسی شده

است.

همچنین در ضمن بیان معنای «اهل» به واژه‌شناسی آن در قرآن پرداخته و با استناد به آیات دیگر، به سبک تفسیر موضوعی، معنای آن روشن شده و حدود و ثغور «اهل بودن» مشخص می‌گردد. سپس معنای «بیت» به همین سبک روشن شده و سرانجام در پایان بخش مفردات، معنا و مصداق «اهل البیت» با تکیه بر روایات شیعه و سنی مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا، اعتراف عالمان اهل سنت، از جمله فخر رازی مطرح شده که «اهل بیت» و «آل محمد» کسانی‌اند که در پنج ویژگی با رسول اکرم مشترک‌اند: صلوات در تشہد، سلام، طهارت، تحریم صدقه و محبت.

۳-۳) دیدگاه علمای شیعه و خاستگاه آن: در این بخش از فصل اول، باور همه عالمان و مفسران شیعه و مستندات ایشان به عرصه بیان آمده و تصریح شده که حتی یک نفر از صاحب نظران این مکتب، در مصدق ایه تردیدی ندارد.

۴-۳) دیدگاه علمای اهل سنت و سرچشمه اختلاف: در این قسمت، اقوال مفسران اهل سنت را می‌بینیم که هیچ کدام نتوانسته‌اند شمول «اهل بیت» را از حضرت فاطمه و همسر و پسرانش منکر شوند؛ اما همسران پیامبر را نیز به مصاديق مزبور اضافه کرده‌اند و البته تناقض در اقوال این مفسران، آشکار است. نکته مهم این بخش آن است که علما و مفسران اهل سنت از متقدم تا متاخر، برای این نظریه شاذ (که همسران پیامبر نیز مصدق اهل البیت‌اند) تنها و تنها به حدیث یک نفر به نام «عکرمه» استناد نموده‌اند و جالب اینجاست که اغلب، در سخن عکرمه هم مناقشه دارند! مثلاً ابن‌کثیر (م ۷۷۴) -که در دفاع از موضع اهل سنت تعصّب دارد- می‌گوید: آیه نصّ است در ورود ازواج نبی در اهل بیت و عکرمه در بازار فریاد می‌زد که آیه تطهیر خاص همسران رسول خداست و من حاضر مباھله کنم. (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۴۹۱) سپس در صفحه بعد می‌گوید: «اینکه مراد آیه فقط زنان رسول باشند، محل مناقشه است؛ زیرا احادیثی وارد شده که نشان می‌دهد مراد آیه اعم از زنان است». ابن‌کثیر پس از





این سخن همه احادیث مرتبط با آیه تطهیر، بخصوص حدیث غدیر و ثقلین و کسae و احتجاجات امام حسن عسکری و امام سجاد علیهم السلام را که مؤید قول شیعه است، می‌آورد. اما با کمال تعجب، در آخر چنین نتیجه می‌گیرد: «ولی با تدبیر در قرآن، بی‌تردید نساء نبی داخل در قول إنما يرید الله هستند زیرا سیاق کلام چنین است! نگارنده رساله در انتهای این بخش، اقوال مفسران اهل سنت را از هفت جهت نقد می‌کند.

۵) خلاصه و نتیجه‌گیری: این بخش اختصاص دارد به جواب پنج سؤال مهم که در فهم معنای آیه بسیار مدخلیت دارد؛ مثلاً اینکه آیا خود همسران پیامبر ﷺ چنین ادعایی داشته‌اند؟ و آیا سیاق در مقابل نص، تاب مقاومت دارد؟ و ...

در پایان، نگارنده به سه دلیل مهم تاریخی در اثبات مدعای شیعه اشاره می‌کند.

۶) نگاهی به شخصیت عکرمه: گفتیم که استناد مفسران عامه در آن قول شاذ، به کلام عکرمه است؛ لذا این بخش به شناسایی عکرمه اختصاص یافته و سخنان او، از حیث سند پژوهی و متن پژوهی مورد دقت قرار می‌گیرد.

۴. نگاهی به فصل دوم

فصل دوم و اصلی پایان‌نامه در ۱۷۷ صفحه نوشته شده است. مفهوم آیه تطهیر و مصدق آن با تکیه بر دلائل عقلی و نقلی و تاریخی در فصل اول این پایان‌نامه کاملاً اثبات شده؛ اما هدف این رساله پیگیری روش علامه امینی در مورد آیه تطهیر است تا ثابت شود که در هیچ قرنی و هیچ نسلی، هیچ شاعری برخلاف قول شیعه شعری نسروده و فرهنگ عامه مردم - که شعر شуرا از آن سرچشمه می‌گیرد - نیز قول شیعیان را تأیید می‌کند.

فصل دوم از دو بخش تشکیل شده است. نگارنده در بخش اول این فصل، گذری بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر دارد و در بخش دوم، تطهیریه‌های شاعران را از قرن دوم تا زمان حاضر بررسی نموده است.



۵. نگاهی به بخش اول: نگرشی بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر
در هر فرهنگ و تمدن اجتماع انسانی، ادبیات و خصوصاً شعر، آینه تاریخ آن جامعه است؛ زیرا شاعران از محیط اطراف خود اثر پذیرفته و به کمک استعداد و موهبت، ابیاتی می‌آفرینند که با وجود بی‌زبانی، زبان‌گویایی عصرشان است. آنان ویژگیهای مردم زمان خویش و شرایط اجتماعی و فرهنگی محیط خود را بیان می‌کند و به تصویر می‌کشند. بنابراین، شعر نشانگر فضای حاکم بر روزگار شاعر است و از این‌رو، به لحاظ تاریخی بسیار سودمند می‌باشد. همچنین نشان‌دهنده موضع شاعر در مقابل حوادث است.

توجّه به این نکته ضروری است که علاوه بر نکات یاد شده، شعر از ارکان اجتماعی زندگی عربی بوده و آن را «دیوان اعراب» نامیده‌اند. قبل از ظهور اسلام، شاعر سرور قبیله و گاه از رئیس قبیله محترم‌تر بود و قبیله بدون شاعر سرافکنده و شرمنده می‌شد. اگر شاعری در قبیله‌ای به نبوغ می‌رسید، مردم جشن و پایکوبی راه می‌انداختند و افراد دیگر قبائل، برای عرض تهنیت، به سوی ایشان می‌آمدند و پذیرایی می‌شدند؛ زیرا شعر میراث آنها را حفظ و مقامشان را رفیع و دشمن را هراسان می‌کرد. از این‌رو، مردم نیاز به شعر داشتند و شاعر بسیار عزیز بود. شاعر تأثیری می‌گذاشت که دیگران حتی با شمشیر نمی‌توانستند چنان کنند. حنا الفاخوری می‌نویسد: «شعر ترجمان احساسات افراد و زبان قبیله و طومار اخبار گذشته و سرگذشت نیakan بود. شاعر، پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. به فرمان او خیمه‌ها برپا می‌ساختند و می‌ایستادند یا کوچ می‌کردند. مقام شاعر از خطیب بالاتر بود، زیرا شعر در خاطره‌ها جا می‌گرفت و بربازیان آسان بود.»

به سبب همین تأثیر عظیم شعر و شاعر در نفوس مردم بود که مشرکان با مشاهده تأثیر شگرف قرآن در مردم، به قرآن نسبت «شعر» و به پیامبر نسبت «شاعر» دادند. نیز به سبب اطاعت مردم از شاعر بود که قرآن کریم در آیه «الشُّعَرَاءِ يَتَبَعُّهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء / ۲۶) شاعران را متبع گمراهان می‌شمرد.



اهمیّت شاعر به اندازه‌ای بود که ملوك و امرا از شأن و نفوذ شاعر سود می‌جستند و با تشویق و صله‌های متعدد، آنها را به دربار خویش می‌خواندند و گاه برای تصاحب یک شاعر، بین دو امیر نزاع و جنگ واقع می‌شد. زیرا شاعر مفاخر قوم را به گوش همگان می‌رساند و از حیثیت و شرف آنها دفاع می‌کرد و شور و حمامه را در سپاه بر می‌انگیخت و فضائح خصم را بر ملامی ساخت و...

نگارنده پس از کلیاتی درباره شعر، با توجه به آیاتی که ظاهرًا شعر و شاعران را مذموم شمرده، اثبات می‌کند که در قرآن «شعر گفتن» نکوهش نشده، بلکه از برخی «شاعران» مذمّت شده و اتفاقاً شعرای مؤمن استشنا شده‌اند.

پس از قرآن، اگر در سیره پیامبر ﷺ مطالعه کنیم، معلوم می‌شود که ایشان نیز شعر و شاعری را نه تنها به طور مطلق رد نفرموده، بلکه گاه شاعران را به سروden شعر تشویق فرموده است. طبرسی می‌نویسد: «به صحّت رسیده که پیامبر ﷺ شعر را می‌شنید و تشویق می‌کرد و بارها به حسان فرمود: «پیوسته مؤید به روح القدس هستی تا آن زمان که با زیانت ما را یاری کنی» رسول عظیم الشأن اسلام، از اشعار حکیمانه و موافق عقل و دین حمایت می‌فرمود و حتی با اشعاری که چنین نبود، اما مغایرتی با اسلام نداشت، مخالفت نمی‌کرد. نمونه‌هایی از تشویق‌های پیامبر گزارش شده است».

در پایان این بخش، نگارنده هدف خود را از بحث مستقل درباره جایگاه شعر بیان می‌کند و می‌نویسد: جایگاه شعر قبل از اسلام و بعد از آن، بدین جهت بیان شد تا خواننده به اهمیّت و فایده جستجو برای یافتن اشعار آیه تطهیر پی ببرد؛ زیرا توجه به این اشعار چند مطلب را روشن می‌سازد:

۱. این اشعار مانند احادیث مربوطه، نشانگر انحصار «اهل بیت» در آیه تطهیر، به خمسه طیبه است.
۲. این اشعار معنای اصلی تطهیر یعنی «عصمت و پاکی اهل بیت» را تصریح می‌کند و نادرستی برداشت مخالف را روشن می‌سازد.
۳. با توجه به اینکه در بین شعرا افراد غیر شیعه و حتی غیر مسلمان هم هستند،



- علوم می شود که این عقیده اختصاص به شیعه ندارد.
۴. از آنجاکه یکی از فواید شعر «واقع نگاری» است، واقعه نزول آیه تطهیر و شرح و بیان آن کاملاً در مضمون اشعار مشهود است.
۵. این شرعا، غالباً دانشمندان جامع الاطرافِ زمانِ خود بوده‌اند. لذا شعر آنان، از علوم مختلف مانند فقه و تاریخ و تفسیر و حدیث برخاسته است نه اینکه احساس مخصوص باشد.
۶. با تکیه بر تطهیریه‌های شرعا، می‌توان یقین کرد که معنای تطهیر و مصداق مطهران، همان عقیده شیعه است و اگر غیر از این بود و افراد دیگری توسط پیامبر ﷺ معرفی شده بودند، حتماً شعرای دانشمند -اعم از شیعه و غیرشیعه- در ضمن اشعار به آنها اشاره می‌کردند. پیش از این، علامه امینی با تکیه بر اشعار غدیر در طی قرون گذشته، کاملاً‌شان داده‌اند که اگر واقعه غدیر و حدیث غدیر معنایی غیر از عقیده شیعه داشت، حتماً در اشعار می‌آمد.

۶. بخش دوم فصل دوم

این بخش حجم اعظم رساله را به خود اختصاص داده است. نگارنده در این بخش، با جستجو در کتب تاریخی و ادبی و دیوانهای شعر، اشعاری را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آیه تطهیر ارتباط دارد، گرد آورده است. قبل از ذکر ابیات، برای آشنایی با شاعر، شرح حال مفیدی آورده شده است. البته جمع آوری همه اشعار مربوط به آیه تطهیر، نیاز به چندین جلد کتاب دارد، ولی در اینجا در حدّ یک رساله دانشگاهی اقدام شده است.^۱

۱. با توجه به اینکه در هنگام نزول آیه تطهیر، رسول خدا ﷺ، دختر و داماد و فرزندانش علیهم السلام را زیر عبا یا کسا گرد آورد و این آیه شریفه را خواند، در پاره‌ای از اشعاری که خواهد آمد، فقط به این کلمه اشاره می‌شود.



الف - شاعران قرن دوم

در این قسمت، از عبدالکوفی، سید حمیری، ذکوان و ابونواس یاد شده است.
۱) عبدالکوفی: از شعرای اهل بیت که فقط درباره آل محمد^{علیهم السلام} شعر سروده است. سروده‌های او مملو از ذکر فضائل و مدح و مرثیه علی^{علیهم السلام} و فرزندان اوست. صدق نیت او باعث شد که بارها امام صادق^{علیهم السلام} از او خواستند تا برای ایشان شعر بخواند و درباره‌اش فرمودند: «ای شیعیان، شعر عبدالکوفی را به فرزندانتان یاد بدهید؛ زیرا او به دین خداست.» وی حول عصمت آل محمد و واقعه کسانه اشعاری دارد. از جمله دریکی از اشعارش پس از ذکر پاکی و برتری ایشان، می‌گوید:

لَوْلَمْ يَكُونُوا خَيْرٌ مِّنْ وَطَأَ الْحَصَنِ
ما قَالَ جَبَرِيلُ لَهُمْ تَحْتَ الْعَبَا
هَلْ أَنَا مَنْكُمْ شَرَفًا شَمَ عَلَىٰ
يُفَاخِرُ الْأَمْلَاكَ إِذْ قَالُوا بَلَىٰ

اگر این پنج نفر بهترین خلق نبودند، جبرئیل هنگامی که آنها زیر عبا جمع شدند، از ایشان اجازه ورود و معیت نمی‌گرفت، و نیز هنگامی که به او اجازه ورود دادند، به خاطر این مصاحبیت، به ملائکه آسمان فخر نمی‌فروخت.

۲) سید حمیری: از شعرای معروف شیعه است که مذهب کیسانی داشت و به برکت هدایت امام صادق^{علیهم السلام} شیعه اثنا عشری شد و لقب «سید» را امام ششم^{علیهم السلام} بر او نهادند و او را «سید الشعرا» نامیدند. چون علاوه بر حب اهل بیت، بعض دشمنان ایشان نیز در قلب او رسوخ کرده بود، ابن حجر در معراجی او می‌گوید: «شاعری فصیح است و راضی خبیث! ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: (او در سبّ اصحاب رسول خدا و همسران او افراط کرد و طعن و مذمت آنها را در اشعارش آورد. و شعر او از ملح بسی هاشم و ذم مخالفان آنها خالی نیست).» ذهبی گوید: «سید حمیری از فحول شعراست؛ ولی راضی سرسخت است.»

اشعار او در تأیید مذهب شیعه به قدری قوی است که افرادی چون «دارقطنی» دانشمند معروف اهل سنت، تنها به خاطر حفظ کردن دیوان او متهم به تشیع شده‌اند. پدر و مادر سید حمیری از خوارج ایاضیه بودند و هنگامی که از مذهب



فرزندشان مطلع شدند کمر به قتل او بستند. لذا او پنهانی زندگی کرد تا والدینش از دنیا رفتند. شرح حال سید حمیری بسیار شگفت‌انگیز و آموزنده است. «عینیه» او شهرت فراوان دارد و امام صادق علیه السلام با شنیدن آن بر سید رحمت فرستاد. این قصيدة عینیه، همان است که پیامبر ﷺ در رؤیای صادقه به امام رضا علیه السلام فرمودند: «این را حفظ کن و به شیعیان ما امر کن تا آن را حفظ کنند و به ایشان خبر ده که هر کس آن را حفظ کند و پیوسته بخواند، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم». سید درباره آیه تطهیر اشعار زیادی دارد. به عنوان نمونه:

إِنَّ يَوْمَ التَّطْهِيرِ يَوْمٌ عَظِيمٌ
خُصًّا بِالْفَضْلِ فِيهِ أَهُلُ الْكُسَاءِ...
ابوالفرج اصفهانی در مدح این شعر، سخنی شنیدنی دارد.
در شعر دیگری می‌گوید:

بِيْتُ الرَّسَالَةِ وَ النَّبَوَةِ وَالذِّ
يَنَ نَعْدُهُمْ لِذُنُوبِنَا شُفَعَاءَ
مَنْ خَمْسَةُ جَبَرِيلٍ سَادُسُهُمْ وَقَد
مَدَّ التَّبَّيُّ عَلَى الْجَمْعِ عَبَاءَ
... همان پنج نفری که پیامبر ﷺ با عبا ایشان را پوشاند؛ در حالی که هیچ‌کس با ایشان شریک نبود مگر جبرئیل که ششمین نفر این پنج نفر بود.

ع۳) ذکوان مولی بنی‌هاشم: شاعری است با اشعار نیکو که مدافعان حريم اهل بیت است. وی بسیار پرجرئت بود و اشعار مدح خود را حتی در حضور ظالمانی چون معاویه و مروان می‌خواند. ماجراهی خواستگاری مروان از دختر «عبدالله بن جعفر» در کتب بسیاری ثبت شده که ذکوان در همان مجلس با سه بیت شعر، جسارت مروان را پاسخ می‌گوید. در مضمون آیه تطهیر بیتی از او می‌آوریم:

أَمَاطَ اللَّهُ مِنْهُمْ كُلَّ رِجْسٍ
وَ طَهَرَهُمْ بِذَلِكَ فِي الْمُثَانِي
خداؤند از ایشان همه پلیدی‌ها را زدود، و پاک و مطهرشان ساخت و این مطلب در قرآن آمده است.

ع۴) ابوثواب: حسن بن هانی معروف به ابوثواب شاعر شهیر قرن دوم است. در علم قرائت، لغت، فقه، حدیث و احکام صاحب نظر بود. سابقه خوبی نداشت، اما توبه



و استغفار نمود و اهل زهد و تقوی شد. پرچمدار شعر در عصر خود بود و سبکی نو در شعر ایجاد کرد و اورا در ردیف امرؤ القیس شمرده‌اند. اشعار او فراوان و دیوانش بارها چاپ شده است. در یکی از اشعارش انتساب به علی علی اللہ علیہ السلام و علوی بودن را تنها افتخار به حساب می‌آورد و ضمن معصوم و مطهر شمردن اهل بیت، صلوات را مختص آنان می‌داند:

مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٌ جُيُوبُهُمْ
تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذَكَرُوا
ایشان مطهر و پاک و پاک دامن‌اند و هرجانا مشان برده شود، صلوات و درود بر آنها فرستاده می‌شود.

ب - شاعران قرن سوم

پس از قرن دوم، نگارنده از شاعران زیادی یاد می‌کند که در قرن سوم تطهیریه‌هایی دارند: محمد بن ادريس شافعی، دیک الجن، دعبل و وامق مسیحی. ع(۵) شافعی: وی از بزرگان اهل تسنن قرن دوم و رئیس مذهب شافعیه است. تولد او دقیقاً روز مرگ ابوحنیفه بود. در علم لغت، شعر و ادبیات، ایام عرب، فقه و حدیث تبحر داشت و در سن ۱۸ یا ۲۰ سالگی فتوای داد. احمد حنبل، عمر بن عبد العزیز را مجدد دین در قرن اول، و شافعی را مجدد دین در قرن دوم می‌شمارد. اشعار او در حب آل محمد فراوان است؛ از جمله می‌گوید:

إِنْ كَانَ رَفِصًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ
فلَيُشَهِّدِ الشَّقَّانِ أَنِّي رَافِضٌ
اگر حب و دوستی آل محمد، رفض و خروج از دین به حساب می‌آید، جن و انس شاهد باشند که من رافضی و خارج از دین هستم.

اشعار وی در مدح و پاکی اهل بیت و فضائل فراوان ایشان و نیز رثای امام حسین علیہ السلام بسیار شنیدنی است؛ از جمله می‌گوید:

إِذَا فِي مَجْلِسٍ ذَكَرُوا عَلَيْأَ
و سبطیه و فاطمة الرّکیه
فَأَيْقُنُ أَنْهُ لِسَلْقَلِیه
فَأَجْرِي بَعْضُهُمْ ذَكْرِي سِواهم

عَلَى آلِ الرَّسُولِ صَلَوةُ رَبِّي

هرگاه در مجلسی نام علی و دو پسر او و فاطمه پاک نهاد بوده می شود، بعضی از مردم فوراً موضوع را عوض کرده و سخن غیر ایشان را می گویند. لذا من یقین می کنم که آنان زاده زنان بدکاره‌اند. صلوات خدا بر این چهار نفر آل رسول، ولعنت خدا باد بر این مرام جاهلی.



وَ لَعْنَتُهُ لِتِلْكَ الْجَاهِلِيَّةِ

ع۶) دیک الجن: ابو محمد عبدالسلام حُمُصی معروف به «دیک الجن»، از شعرای عصر عباسی و شاعری خوش طبع از شیعیان است. او در مراثی امام حسین علیهم السلام اشعار فراوان دارد. وی نه تنها برای عرب نسبت به عجم فخری قائل نبود، بلکه بر آعراب، فخر می کرد و تنها آل محمد را بهترین مردم بین عرب و عجم می شمرد. در مضمون آیه تطهیر می گوید:

وَ الْخَمْسُ الْغُرُّ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ مَعًاٌ
خَيْرُ الْبَرِّيَّةِ مِنْ عُجْمٍ وَ مِنْ عَرَبٍ

اشعار او در فضائل امیرالمؤمنین علیهم السلام و مظلومیت ایشان شنیدنی است.

ع۷) دعبل خُزاعی: وی از شعرای کمنظیر شیعه امامیه و از نوادگان «بدیل خُزاعی» صحابی گرانقدر رسول خدا علیهم السلام است که پیامبر در روز فتح مکه او را دعا فرمود. بدیل در جنگ صفين در رکاب امیرالمؤمنین علیهم السلام بود که به دست یاران معاویه شهید شد. سروده هایش بر زبانها و در کتابها جاری است و نبوغ او را در ادب و شعر اثبات می کند. اشعار او غالباً در مدح اهل بیت و هجو دشمنان ایشان است. علامه امینی می نویسد: «از آنجا که ولایت اهل بیت خالص نمی شود مگر با برائت از دشمنان ایشان، لذا دعبدل پیوسته بیزاری و برائت خود را از دشمنان عترت طاهره و غاصبین منصب ایشان اعلام می کرد.»

وقتی عباسیان به بهانه دفاع از اهل بیت روی کار آمدند، اما خلاف گفته هایشان عمل نمودند، دعبدل همه خلفا و وزرای ایشان را افشا کرده و با این هجومگویی از بنی عباس انتقام می گرفت. به همین سبب، پیوسته فراری بود و خود می گفت: «پنجاه سال است که چوبه دارم را به همراه می کشم». وی در علم تاریخ و ادبیات ید

طولا داشت و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهم السلام شمرده می‌شود. سرانجام در سن ۷۹ سالگی با ظلم و ستم، به امر متوكّل شهید شد. قصيدة تائیه دعل که با «مدارس آیات...» شروع می‌شود، بسیار معروف است و امام رضا علیه السلام به او فرمود: «این شعر را روح القدس به زبان تو جاری کرده است». سپس جعبه‌ای به او بخشیده و دو بیت به شعرش اضافه فرمودند. در این قصيدة طولانی به آیه تطهیر اشاره کرده و پاک بودن اهل بیت و فضائل دیگر ایشان را یاد می‌کند:

... منازِلُ كَانَتْ لِلصَّلَاةِ وَ لِلثُّقَى
وَ لِلصَّفْمِ وَ التَّطْهِيرِ وَ الْحَسَنَاتِ ...
خانه‌هایی که مخصوص نماز و پرهیزگاری و روزه بود و پاک و مطهر بود و دارای نیکویی‌ها.

۸) واقع مسیحی: بقراط نصرانی از بزرگان و اُمراء ارامنه است. او از مداحان اهل بیت بود و ماجراهاش در زمان متوكّل، در تاریخ یعقوبی و کامل ابن‌اثیر آمده است. چگونه یک مسیحی مدح و ثنای امیر مؤمنان کند؟ اما باید دانست که انسان کمال طلب است و علم و کمال و فضائل غیر قابل شمارش امیر المؤمنین علیهم السلام هر انسانی را به تحسین و امداد دارد. علامه امینی گوید: «بسیاری از یهود و نصاری در مدح پیامبر و وصی او کتاب نوشته‌اند.» و سپس ۳۰ نفر از ایشان را نام می‌برد. واقع در مدح امام علی علیهم السلام و بیان واقعه غدیر و فضائل اهل بیت، اشعار فراوان دارد و در مضمون آیه تطهیر، اهل بیت را منحصر در علی و فاطمه و پسران ایشان علیهم السلام می‌شمرد:

إِذَا ظَلَمْتُ طُرُقُ الرَّشَادِ عَنِ الْهُدَى
فَأَلْ رَسُولُ اللَّهِ كَانَتْ مُصَابِحًا
سَلِيلُ عَلَيِّ الْمَرْتَضِيِّ وَ ابْنُ فَاطِمَةِ
مَعَاشِرُ كَانُوا لِلْغَوَايَةِ رَامِحًا
(پیامبر فرمودند) وقتی که راههای هدایت مخفی و تاریک شود، علی مرتضی و فرزندان او که پسران فاطمه‌اند، همچون چراغ می‌درخشند. ایشان گروهی‌اند که گمراهی را می‌رانند و دور می‌کنند.

ج - شاعران قرن چهارم

نگارنده در میان تطهیریه‌های قرن چهارم، از ۱۲ شاعر یاد می‌کند که عبارت‌اند از: عونی، ابن علویه اصفهانی، ابن درید، صنوبری، ابوفراس، ابن‌هانی اندلسی، ناشی صغیر، سوسی، بشنوی، صاحب بن عباد، سلامه موصلی و ابن حماد عبدی. از آنجاکه در مجال این مقال، فرصت پرداختن به همه نیست، سه تن به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند.

۹) ابن درید: ابوبکر محمدبن حسن بن درید صاحب تصانیف بسیار و از بزرگان لغت و نحو و ادب عربی است. در حفظ انساب عرب و اشعار سرآمد است. کتاب «اشتقاق» و «جمهره» از او در لغت و انساب، شهرت عام دارد. در قوّه حفظ و نیز قدرت شعر گفتن او سخن فراوان گفته‌اند. در بین اشعارش «مقصورة دریدیه» در رثای امام حسین علیهم السلام بسیار معروف است و عالمان فراوانی این شعر را شرح کرده یا تخمیس نموده‌اند. وی در مضمون آیه تطهیر می‌گوید:

إِنَّ النَّبِيًّا مُحَمَّدًا وَ وَصِيًّهُ
أَهْلُ الْعَبَاءِ فَإِنِّي بِوَلَائِهِمْ أَرْجُو السَّلَامَةَ وَ الْجَاجَ فِي الْآخِرَةِ

به راستی، پیامبر اکرم و وصی او علی و دو پسرش و دخترش فاطمه پاکی مطهر علیهم السلام، همان اهل عبا هستند که من در آخرت، به سبب ولایت و دوستی ایشان، امید سلامتی و نجات دارم.

۱۰) صنوبری: ابوالقاسم احمدبن محمد جَزَری معروف به صنوبری، از معاریف قرن چهارم است. اکثر شعر او در وصف باعها و ریاض است؛ لذا «روضیات» او معروف می‌باشد. قصایدی در مدح امیرالمؤمنین علیهم السلام دارد و فضائل ایشان را به نظم درآورده است. مراثی امام حسین علیهم السلام نیز در دیوان او فراوان است. این ابیات در مدح آل عبا اشاره به آیه تطهیر و حدیث کسا و دلالت بر حُسْن اعتقادات او دارد:

حُبُّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٌ وَ وَصِيُّهُ
يَبْنِي الْكَسَاءِ الْخَمْسَةِ الْغُرَرِ الَّتِي
مَعَ حُبِّ فَاطِمَةٍ وَ حُبِّ بَنِيهَا
أَهْلِ الْكَسَاءِ الْخَمْسَةِ الْغُرَرِ الَّتِي





[ای نفس، طالب هر امر بی ارزشی مشو، طالب بالاترین امور باش که همانا] حبّ محمد و
وصی او علی و فاطمه و پسرانش علیهم السلام می‌باشد. همان پنج نفری که اصحاب کسائے هستند و
به سبب علوّ مقام آنها، مقام و جلالت پایه گذاری شد.

۱۱) ابوفراس: حارث بن سعد بن حمدان مشهور به ابوفراس، فارس میدان عقل و
فراست و شجاعت، و ریاست و حلم و ادب است. «ابوفراس» از القاب شیر است و
به سبب شجاعت، این کنیه را بر شاعر نهاده‌اند. او از رجال سیاسی شیعه است که
در قرن چهارم به دست غلام ابوالمعالی، پسر سیف الدوّله، به قتل رسید.
درباره حیات او کتابهای جداگانه نوشته شده است.

علامه امینی گوید:

سخن از شخصیتی ذوابعاد چون ابوفراس، بسیار دشوار است؛ زیرا نمی‌دانم کدام بعد او را
توجه کنم؛ شعر و سخنداشی، یا سپهسالاری، یا امارت؟ شعر او در سهولت و روانی و
استحکام و نیکویی و شیرینی مشهور است. صاحب بن عباد درباره شعر او گوید: شعر با
یک پادشاه آغاز و با یک پادشاه ختم شد. امرؤ القیس و ابوفراس. متنبی شاعر مشهور،
همیشه به تقدّم و مقام والا ابوفراس اعتراف داشت و جانب او را مراعات می‌کرد.
در همه اغراض (سبکهای) شعری اعم از وصف و فخر و حکمت و رثاء شعر گفته
است. قصيدة میمیه‌ای در مظلومیت ائمّه علیهم السلام و ظلم بنی عباس دارد که مشهور به
شافیه است. برخی از فضایی این قصيدة را شرح و تخمیس کرده‌اند. شاعر امیر و
توان، تک تک بنی هاشم را در این قصيدة با بنی عباس مقایسه کرده و به دون‌مایگی و
حیله‌گری و فسق بنی عباس اشاره می‌کند.

ابوفراس قصیده‌هایی معروف نیز در مدح اهل بیت دارد که علامه امینی ۳۹ بیت آن
را آورده است. شاعر در این قصيدة علاوه بر غدیر و فضائل بی‌شمار
امیر المؤمنین علیهم السلام به فضیلت کسائے و اجازه گرفتن جبرئیل اشاره می‌کند و می‌گوید:

أَنْسِيْتُمْ يَوْمَ الْكَسَاءِ وَأَنَّهُ
مِمَّنْ حَوَاهُ مَعَ النَّبِيِّ كَسَاءٌ
إِذْ قَالَ جَبَرِيلُ بِهِمْ مُسْتَشْرِفًا
أَنَا مِنْكُمْ، قَالَ النَّبِيُّ كَذَاهُ



آیا فراموش کرده‌اید روز کسae را که علی و پیامبر و بقیه به وسیله عبا پوشانیده شاند؟ همان هنگامی که جبرئیل از پیامبر اجازه خواست که با آنان باشد و پیامبر اجازه داد و جبرئیل این معیت را برای خود فضیلت و شرف می‌شمرد.
اشعار و سرگذشت نه شاعر دیگر قرن چهارم نیز بسیار شنیدنی است.

د - شاعران قرن پنجم

در قرن پنجم، از پنج شاعر یاد شده که عبارت‌اند از: ابن‌مقلد شیرازی، نصرین منتصر، ابن‌صباح، ابوعلی ضریر، محمد موسوی. از بین اینها به بررسی دو تن می‌پردازیم.

۱۲) نصرین منتصر: نصرین احمدبن نصر از شاعران شیعه است و ابن‌شهرآشوب در مناقب نام او را «نصرین منتصر» ثبت کرده است. نصر در شعری که در مدح امام حسن مجتبی علیه السلام سروده است، مضمون آیه تطهیر را چنین بیان می‌کند:

سَادَتْ نِسَاءُ الْعَالَمِينَ أُمُّهُ	وَ سَادَ فِي الْخُلُدِ أُبُوهُ الْمُرْتَجِي
مَنْ ذَا لَهُ جَدُّ تَعَالَى ذَكْرُهُ	بِسْمِ اللَّهِ مَقْرُونًا إِذَا قَامَ النَّادِي
مَنْ كَالَّبِيٌّ وَ الْوَصِيٌّ وَالْدُّهُ	وَ زَوْجُهُ وَ ابْنَيْهِ أَصْحَابِ الْعَبَا؛

مادر امام حسن، سرور زنان جهان است و پدرش که در بهشت به او امید شفاقت می‌رود - بزرگ بهشتیان است. چه کسی مثل امام حسن جدی چون رسول خدا دارد که هنگام بلند شدن صدای اذان، نامش با نام خداوند عالم در کنار هم برده می‌شود؟ و چه کسی مانند این پنج اصحاب کسae است؟ مانند پیامبر و وصی او علی و همسرش فاطمه و پسرانش؟

۱۳) ابوعلی ضریر: حسن بن مظفر نیشابوری از ادباء و شعرای خوارزم است. این نابینای روشن دل به ابوعلی بصری یا ضریر معروف است و اورا در هنر و ادب پیشتاز می‌دانند. از ماده‌های اهل بیت به حساب می‌آید و در یکی از اشعارش ضمن اشاره به فضیلت غدیر و مباھله، خمسه آل عبا را معروفی می‌کند:

رَوْجَتِهِ يَقْتَفيْهُمَا ابْنَاهُ	وَ باهَلَ الْمُشْرِكِينَ فِيهِ وَ فِي
وَ يُسْتَجَابُ الدُّعَا وَ يُرْجَاهُ	هُمْ خَمْسَةُ يُرْحَمُ الْأَنَامُ بِهِمْ



هـ- شاعران قرن ششم

پیامبر در روز مباھله با علی و فاطمه و دو پسر ایشان به سوی مشرکان رفت. این پنج نفر همان کسانی‌اند که مردم به واسطه آنان مورد لطف و مرحومت خدا قرار می‌گیرند و دعاها ایشان مستجاب می‌شود.

در این بخش، نویسنده چهار شاعر را معرفی می‌کند: خطیب حَصْکَفِی، ابن عُودَی نیلی، طلایع بن رزیک و اخطب خوارزم. باز هم به جهت پرهیز از اطاله، تنها دو نفر معرفی می‌شوند.

۱۴) **خطیب حَصْکَفِی**: ابوالفضل یحیی بن سلامه، ملقب به معین الدین و معروف به خطیب حَصْکَفِی است؛ زیرا رشد و نمو او در حَصْنِ کَیْفَا از شهرهای دیار بکر بود که در زبان فارسی حِصِّن کیبا نامیده می‌شود. نزد خطیب تبریزی در بغداد به مهارت کامل در ادب دست یافت و مذهب شافعی را نیکو فراگرفت و به دیار بکر بازگشت و مفتی شد. عَلَّامَه زمان خود در نظم و نثر است. نام او به سبب خطبه‌های فراوانش نیز شهره آفاق گشت و دیوان رسائل او شاهد بر این مَدْعَاست. اشعار او در مدح اهل بیت بسیار نیکوست؛ تا آنجا که ابن‌کثیر می‌گوید: «او در بسیاری از علوم مانند فقه و ادب و نظم و نثر، امام و پیشوای زمان خود بود، ولی در تشیع خود غلو می‌کرد!» سمعانی نیز او را از غالیان شیعه برمی‌شمرد.

ابن شهرآشوب اشعاری از او را آورده است. وی در شعری که در مدح امام جواد علیه السلام سروده است به اصحاب عبا اشاره می‌کند:

يَلَّا مُ فِي يَاسِينَ أَوْ طَاسِينَا	أَحَبَّتْ يَاسِينَ وَ طَاسِينَ وَ مَنْ
أَوْيَ إِلَى الْفَلَكِ وَ طَورَ سِينَا	سُفْنَ النَّجَاهِ وَ الْمَنَاجَاهِ وَ مَنْ
هُمُ الْتَّبَّأْ إِنْ شِئْتُمُ التَّبَيِّنَا	ذَرُوا الْغَبَا فَإِنَّ أَصْحَابَ الْعَبَا

من یس و طس و ملازمان پیامبر را دوست دارم آنان که کشتهای نجات و مناجات اند و به سبب ایشان کشته نوح مؤی گرفت.

ترک کنید حماقت و نادانی را؛ زیرا اصحاب کسae همان نبأ هستند (که در مورد ایشان سؤال می شود) اگر طالب تبیین (آیه) هستید.^۱

۱۵) ابن عوادی: سالم بن علی بن سلمان تغلبی معروف به «ابن عوادی نیلی» ستاره‌ای از آسمان ادب است که ناشناخته ماند. سید محسن امین می‌گوید: «اشعار او را نیافتم مگر قصيدة ممیمیه اش را در مناقب ابن شهرآشوب.» اشعار مذهبی او مانند سید حمیری، ابن حماد، عوفی، ناشیء صغیر و ابن علویه فراوان است؛ به طوری که وقتی ابن شهرآشوب در اواسط قرن ششم وارد عراق شد، سروده‌های مذهبی ابن عوادی را بین مردم شایع دید، تا حدی که مردم در مجالس برای شنیدن آنها اجتماع می‌کردند. اما بعد از آن، فتنه عظیم میان شیعه و سنّی اتفاق افتاد و حنابله، کتابخانه‌های شیعیان را آتش زدند و لذا بسیاری از کتب و دیوانها، از جمله اشعار ابن عوادی، نابود شد.

حبّ اهل بیت و برایت از دشمنان ایشان در شعر ابن عوادی موج می‌زند و به همین سبب به او مهر «رافضی خبیث یهجو الصحابه» زده‌اند. مثلاً در قصيدة ۱۴۹ بیتی اش، به قضیّه غدیر و بیعت همه صحابه با امیر المؤمنین علیه السلام اشاره می‌کند و نقض بیعت را عجیب می‌شمارد. نیز کیفیّت خلافت را مورد سؤال قرار می‌دهد که اگر باید به اجماع باشد، چنانچه به زعم ایشان برای ابوبکر چنین بود، پس چرا در خلافت عمر به نصیح ابوبکر اکتفا شد و چرا در خلافت عثمان به شورا گذاشته شد؟! در بخشی از همین ممیمیه، به قضیّه کسae و مباھله اشاره می‌کند و می‌گوید:

فَعَادَ الْمُنَاوِي فِيهِمْ وَ هُوَ مُفْحَمٌ	هُمْ يَاهْلُوا مِنْ دَاخِلِ الْعِبَا
لَمِيكَالَّا: مَنْ مُثْلِي وَ قَدْ صِرْتُ مِنْهُمْ؟	وَ أَقْبَلَ جَبَرِيلَ يَقُولُ مُفَاجِرًا
لَهُمْ سَيِّدُ الْأَمْلَاكِ جَبَرِيلُ يَحْدُمُ	فَمَنْ مُثْلُهُمْ فِي الْعَالَمَيْنِ؟ وَ قَدْ غَدَا

ایشان هستند که پیامبر، آنها را داخل عبارت و با مسیحیان نجران مباھله نمود. در حالی که جبرئیل به میکائیل فخر می‌فروشد که چه کسی به مقام من می‌رسد؟ زیرا من با ایشان

۱. اشاره دارد به آیات ۱ تا ۳ سوره نبأ.



و - شاعران قرن هفتم

داخل عبا شدم. آری، چه کسی در دو عالم مثل و مانند آنهاست؟ زیرا بزرگ ملاشکه، جبرئیل امین، خادم این خانواده است.

نگارنده در این قسمت، تطهیریه‌های شش شاعر را به همراه شرح حال آنان می‌آورد که عبارت‌اند از: امام منصور بالله قرشی، ابن طلحه شافعی، ابن ابی الحدید، ابو محمد منصور بالله، شمس الدین محفوظ و بهاء الدین اربیلی. از بین ایشان نیز دو تن را بر می‌گرینیم.

۱۶) ابن طلحه شافعی: ابو سالم محمد بن طلحه قرشی شافعی ملقب به «کمال الدین» می‌باشد. بعضی گمان کرده‌اند که نسبت «عمَّری» به او، به دلیل انتسابش به عمر بن خطاب است؛ در حالی که نسبت به محل تولد اوست که قریه «عمَّریه» در جاده موصل به شام است.

وی فقیه، عالم، عارف، خطیب دمشق و مفتی مذهب شافعی بود. در فنون فراوان تبحر داشت که علم حروف و اوقاف جزئی از آنهاست. ماجراهایی در این زمینه از او نقل شده که دلالت بر علوم غریبه او دارد. از نکات مهم زندگی او این است که سلطان حکم وزارت برای وی نوشته، ولی نپذیرفت.

وی آثار متعددی دارد؛ ولی کتاب «مطالب السُّؤول فی مناقب آل الرسول» -که در خصوص مناقب دوازده امام نوشته - از همه معروف‌تر است. در شافعی بودن او شکی نیست و همه کسانی که طبقات علمای شافعی را نوشته‌اند، نام وی را آورده‌اند؛ اما ذکر مناقب اهل بیت در کتاب یاد شده آنقدر زیاد است که برخلاف همه متقدّمان، محمد طباخ حلبي، در قرن چهاردهم، به او نسبت تشیع می‌دهد.

وی در کتاب مذکور پس از آوردن روایات در شأن نزول آیه تطهیر می‌گوید:

يَا رَبِّ الْخَمْسَةِ أَهْلِ الْعَبَا
ذُوِّي الْهَدَى وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ
وَالْأَهْمَمُ ذُوَّ مَتْبُجَرِ رَابِحٍ

أَشْلَمُ مِنْ حَرَّ لَظِي الْلَّافِحِ

لَا تُخْزِنِي وَ اغْفِرْ ذُنُوبِي عَسْنِي

خداؤندا به حق پنج تن اهل کسae که صاحبان هدایت و عمل صالح، و کشتیهای نجات بشرنند، به حق آنها یکی که هرگز دوستشان بدارد، در تجارت سود کرده، به حق آنان مرا خوار نکن و گناهانم را ببخش؛ باشد که از شعله های سوزاننده آتش سالم بمانم.
در اشعار دیگر ش به غدیر، روایات سوره تحریم و هل آتی و شأن دشمنان اهل بیت نیز اشاره دارد.

ع۱۷) ابن‌ابی‌الحدید: عزّالدین عبد‌الحمید بن هبة‌الله بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی، ادیب، کاتب، مورخ و شاعر مشهور عصر عباسی است. او در مدائن متولد شد و به کسب علم پرداخت. در همه انواع علوم، دستی پیدا کرد. سپس به بغداد رفت و کاتب دربار خلافت شد. از بین مذاهب کلامی به اعتزال روی آورد. علاوه بر علوم مختلف و نیز کتابت دربار، شعر هم بسیار خوب می‌گفت و بارها به سبب مدح بنی عباس، جوازی گرفت. مذهب اعتزال او در اشعارش کاملاً هویدا است.

آثار فراوانی دارد؛ اما از بین آنها شرح ۲۰ جلدی بر نهج البلاغه و نیز قصائد «سبع علویات» او بسیار مشهور است. این قصائد هفتگانه که در مدح امیر المؤمنین علیهم السلام گفته شده، به ترتیب در ذکر فتح خیر، فتح مکه، وصف پیامبر ﷺ، واقعه جمل، وصف امام علی علیهم السلام و اوصاف حضرتش می‌باشد. شاعر معتزلی فضائل علی علیهم السلام را به گونه‌ای به نظم کشیده که در مواردی متهم به غلو شده است. وی به قصه کسae و آمدن جبرئیل و پاک و مطهر بودن علی علیهم السلام به سبب آیه تطهیر تصريح دارد و نیز به عزل ابوبکر برای اعلام سوره برائت با کنایه اشاره می‌کند:

و لَا كَانَ مَعْزُولًا غَدَاءَ بِرَائِهِ
إِمَامُ هُدَىٰ بِالْقُرُصِ آثَرَ فَاقْتَضَى
لَهُ الْقُرُصُ رُدَّ الْقُرُصُ أَبْيَضَ أَزْهَرَا
مُزَاحِمُهُ جَبَرِيلُ تَحْتَ عَبَاءَةَ
لَأَسْتَنْفَدَنَّ الْعُمَرَ فِي مِدْحَتِي لَهُ
عَلَى عَلِيِّهِ كَسَىٰ اسْتَكْبَرَتْ رُؤْسَهُ بِرَأْيِهِ
وَلَا عَنْ صَلَاتِ أَمَّ فِيهَا مَؤْخِراً





امام هدایتگری است که قرصهای نان را در راه خدا ایثار کرد و از این رو قرص خورشید برای نماز او به جای خود بازگشت. او کسی است که آن هنگام که در زیر عبا جمع بودند، جبرئیل به سوی آنان آمد و درخواستِ مصاحبَتِ ایشان را داشت. او کسی است که همه خوبیها در او جمع شده. من تمام عمرم را در مدح علی مصرف می‌کنم، حتی اگر روز به روز ملامتِ سرزنش کنندگان بیشتر شود.

ز- شاعران قرن هشتم تا سیزدهم

مؤلف در این قسمت به شرح حال و اشعار یازده شاعر می‌پردازد که عبارت‌اند از: صفی الدین حلّی، واردی مقری، ابن صباغ مالکی، کفعمی، ابن معتوق، مقری کاظمی، آخوند مسیحا، حضرمی شامی، عُجیلی شافعی، ابوالحسن بن جبیر و ساعاتی. اشعار این شاعران نیز دلیلی بر مدعای نویسنده است که شاعران از ابتدای قرن دوم تا قرن حاضر (یعنی چهاردهم) در بیان مصدق آیه تطهیر و نیز معنای طهارت و انحصار آن به خمسه طیبه، هیچ تشتبّه آراء نداشته و همه یک زبان، عقیده قاطبه عالمان شیعه و نیز اکثریت عالمان اهل سنت را تأیید می‌کند. در انتهای رساله، پژوهشگر از ۱۳۳ منبع یاد می‌کند که در فراهم آمدن این نگارش، اورا یاری داده‌اند.